

اخبار فرهنگی

وزیر میراث فرهنگی:

یونسکو نامه‌های ایران برای جلوگیری از تعرض به آثار تاریخی را تحویل اسرائیل داد

همزمان با آغاز جنگ ۱۲ روزه رژیم اسرائیل علیه ایران، وزارت میراث فرهنگی، باستان‌شناس‌ها، چهره‌های فرهنگی و هنری، فعالان میراث فرهنگی و کمیته ملی موزه‌های ایران در نامه‌های جداگانه به یونسکو درخواست جلوگیری از تعرض به آثار تاریخی ایران را در جنگ تحمیلی مطرح کردند و حالاسیدرضا صالحی امیری در پاسخ به سئوال ایلنادر نخستین نشست خبری خود در دوره آتش‌بس میان ایران و اسرائیل خبر داد که یونسکو نامه‌های ایران برای درامان ماندن آثار تاریخی در جنگ ۱۲ روزه را تحویل اسرائیل داد.وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اعلام کرد: وزارت میراث فرهنگی همان ابتدا با صدور هشدار و اعلام وضعیت قرمز توجه نهادهای بین‌المللی را درخصوص جلوگیری از تهاجم به آثار تاریخی جلب کرد. اما دولت نیز مصوبه‌ای داشت و تمام دستگاه‌ها از جمله وزارت میراث فرهنگی ملزم شده‌اند، خسارات مستقیم و غیر مستقیم وارد شده به بخش‌های مختلف، اعم از خسارت‌های فیزیکی و مادی تا خسارت‌های میراثی و انسانی را بر آورد کنند تا براساس این برآوردها اقدام به شکایت بین‌المللی از رژیم صهیونیستی نکنیم.

■ ■ ■

نامزدهای شورای کتاب کودک برای جایزه «لیندگرن»

شورای کتاب کودک «آرمان آرین» را در بخش نویسندگان و «هدا حدادی» را در بخش تصویرگران به عنوان نامزدهای جایزه ی یادبود آسترید لیندگرن (آلما) ۲۰۲۶ معرفی کرد. به گزارش ایسنا، در بخش نویسندگان، «آرمان آرین»، به‌عنوان یک نویسنده پیشرو در بازآفرینی اسطوره‌ها و مفاهیم کهن ایرانی برای مخاطب کودک و نوجوان، از سوی شورای کتاب کودک برای دریافت جایزه آسترید لیندگرن (آلما) ۲۰۲۶ نامزد شده است. در بخش تصویرگران نیز «هدا حدادی»، نویسنده و تصویرگر، به‌دلیل نقش تأثیرگذار در خلق جهانی زنده، طبیعت‌گرایانه، سرشار از صلح و متاثر از ادبیات غنی فارسی در آثار تصویرگری معرفی شده‌است. جایزه آلما، یک جایزه ادبی است که نه‌تنها به نویسندگان و تصویرگران اهدا می‌شود، بلکه قصه‌گویان، مروجان و نهادهای حوزه ادبیات کودک و ترویج کتابخوانی نیز می‌توانند به آن دست یابند.

■ ■ ■

فراخوان «دومین جشنواره عکس تهران» منتشر شد

همزمان با برگزاری چهل‌دومین جشنواره بین‌المللی فیلم تهران، آژانس عکس ایران دومین دوره جشنواره عکس تهران را با رویکردی رقابتی و حرفه‌ای برگزار می‌کند. به گزارش روابط عمومی انجمن سینمای جوانان ایران، عکاسان می‌توانند آثار خود را در دو گرایش مستند اجتماعی و فاین‌آرت با موضوعات روز و دغدغه‌محور نظیر خانواده ایرانی، فرزندآوری، جوانی و جمعیت و همچنین «به تصادف» ارسال کنند. شرکت در این جشنواره برای تمامی عکاسان سراسر کشور آزاد و رایگان است. هر شرکت‌کننده می‌تواند حداکثر ۵ تک‌عکس و یک مجموعه شامل ۸ تا ۸ عکس ارائه کند. آثار باید با فرمت JPG و حجم بین ۵ تا ۳ مگابایت ارسال شوند. علاقه‌مندان می‌توانند از ۲۱ تیر تا ۳۱ مرداد ۱۴۰۴ نسبت به نام‌نویسی و ارسال آثار خود از طریق سامانه جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران به نشانی festival.iycs.ir اقدام کنند. دومین جشنواره عکس تهران هم‌زمان با چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، از ۲۷ مهر تا ۲۱ آبان ۱۴۰۴ برگزار می‌شود.

■ ■ ■

فیلمبرداری «چشم‌هایش» کلید خورد

فیلمبرداری فیلم «چشم‌هایش» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا بر اساس رمان «بزرگ علوی» با حمایت بنیاد سینمایی فارابی در شهر ک سینمایی غزالی آغاز شد. به گزارش مشاور رسانه‌ای، با پیوستن بهناز جعفری، علی شادمان، پانته‌ا پناهی‌هاوژاکلین آواره به‌عنوان بازیگر به پروژه «چشم‌هایش» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا، تیم بازیگران این اثر تکمیل شدند. پیش‌تر نیز مهدی پاکدل، لاله مرزبان، علی صف‌صا، صابر آریش و شمس‌النگردی به عنوان بازیگر به این پروژه پیوسته بودند. «چشم‌هایش»، رمانی است که اولین بار در سال ۱۳۳۱ منتشر شد و داستانی پر رمز و راز از زندگی یک نقاش انقلابی را روایت می‌کند؛ نقاشی که در دل فضای پر تنش سیاسی و اجتماعی، با دنیایی پیچیده از عشق و مبارزه روبرو است.

■ ■ ■

اهدای دیر هنگام جایزه بهترین بازیگر «کن»

«اگنر سور» (بالاخره توانست تندیس بهترین بازیگر مرد جشنواره کن را که اوایل امسال برای ایفای نقش اصلی در فیلم «مامور مخفی» به کارگردانی «کلیر مندونسا فلیو» برنده شده بود، دریافت کند. به گزارش ایسنا، «روایتی»، نوشت، «ژولیت بینوش»، رئیس هیأت داروان جشنواره کن، این جایزه را با تأخیر به بازیگر برزیلی کشف‌پدری رابازی می‌کرد که در دوران دیکتاتوری نظامی برزیل برای فرار از ترور، هویت خود را پنهان می‌کند، روز شنبه در پاریس اهدا کرد. بر اساس بیانیه‌ای، بینوش با رفتن ناگهانی روی صحنه و افسانه‌ای این جایزه به «مورا» باو رادر مقابل هزاران هواداری که برای نمایش «مامور مخفی» گردآمده بودند، غافلگیر کرد. مورا در بخشی از سخنانش پس در دریافت جایزه، این جایزه را به فرهنگ برزیل و همه کسانی که از آن حمایت می‌کنند تقدیم کرد.



محمدحسن خدایی

با نگاهی شتاب‌زده به اجراهایی که بعد از اعلام آتش‌بس بر صحنه آمده‌اند و اغلب محصول فضای پیشاجنگ هستند می‌توان به این نتیجه انکارناپذیر رسید که یکی از مشکلات عیدیه اجرایی صحنه‌ای در تئاتر این روزهای ما نمایشنامه‌هایی است فاقد ساختار درست دراماتیک که بهره‌ای از منطق بوطیقایى نوشتار نبرده و خام‌دستانه نوشته و اجرا شده‌اند. متونی که چندان توانایی توضیح چرایی جهان خویش را نداشته و به شکل مبتدیان‌ه خلق شده‌اند تا به فوریت بر صحنه آمده و با حضور بازیگران نابلد، اجرایی ملالت‌بار باشند از برای مخاطبان بی‌حوصله این‌روزهای تئاتر. محصول بی‌قبیل متون مکتوب، نمایش‌هایی است که ضرورت بر صحنه بودن شان معلوم نبوده و فقدانشان فاجعه‌ای را رقم نمی‌زند. نتیجه این‌ فرآیند بی‌افتخار، اجراهایی است کمرق که شوقی برنمی‌انگیزند و سلیقه تماشاگران را به هیچ وجه ارتقا نمی‌دهند چراکه پتانسیل ادبی و اجرایی در چنته نداشته و باری به هر جهت محسوب می‌شوند. نوعی از تولیدات هنری ذیل «صنعت فرهنگ» که پیش از این آدورنو در کتاب «دیاکتیک روشنگری» صورت‌بندی کرده و شوربخانه، نمونه‌های ایرانی‌اش این روزها به وفور مشاهده می‌شود که از قضا کیفیت مناسبی نداشته و از استانداردهای جهانی، کیلومترها عقب است. این قبیل نمایشنامه‌ها که اغلب توسط کارگردان همه فن حریف نوشته می‌شود، بدون محک خوردن در فضای عمومی، به‌ناگه از صحنه تئاتر سربرآورده و موجب دل‌زدگی مخاطبانی می‌شود که پول بلیت را پرداخته و به سالن نمایش پناه برده‌اند تا شاید از ملال زندگی روزمره اندکی رهاشوند. اما این اجراها با تساهل و تسامح می‌توان یک‌محصول بی‌کیفیت وطنی ندانست از برای تلف کردن وقت و پول. مکانیسمی معیوب از تولید تئاتر که راهی به‌رهایی نمی‌گشاید و در چرخه فروپستهای از تکرار مکرارت و ایده‌های مستعمل به حیات خویش ادامه می‌دهد. به راستی چرا وضعیت درخشان سال‌های پیش در عرصه خلق متون

نمایشی به چنین افول شرم‌آوری رسیده و سالن‌های نمایش از اجراهایی بانمایشنامه‌هایی ناپهنگام و انقیادناپذیر تهی شده است. راز این حجم از پسرقت فرهنگی چیست و چرا در افق پیش‌رو، «دیاکتیک روشنگری» صورت‌بندی ارائه داشته باشند به چشم نمی‌آید. افسوس که این روزها دیگر خبری از آثار با کیفیت دهه چهل شمسی نیست و حتی از نمایشنامه‌های به‌ادماندنی دهه هفتاد هم نمی‌توان ردپای در خوری در اجراهای معاصر سراغ گرفت. با آن‌که کمیت آثار بالا رفته و به انبوه‌سازی رسیده، اما کیفیت اجراها، نقشش به شماره افتاده و مستوجب سرفکندگی عمومی دوستداران هنر نمایش شده است. بنابراین در این معکاب‌برخی، خیل زیادی از نمایشنامه‌نویسان آماتور با دستانی خالی به روایت جهانی می‌پردازند که درستی نمی‌شناسندش و نمی‌توانند بازتاب‌دهنده صادقی از زیست و زمانه دوران خویش باشند. نتیجه ناگزیر این جریان خزنده، برآمدن دورانی است سترون که نمایش‌هایش نه توان خلق شخصیتی ماندگار دارد و نه قدرت مسحورکننده روایت یک

به بهانه هجدهم تیر «روز ملی ادبیات کودکان و نوجوانان»؛

«ادبیات» بال پرواز خیال کودکان



روح کودکان و نوجوانان بی‌قرار و سرشار از حس کنجکاوی و اشتیاق برای کشف دنیاست و کتاب‌ها به ویژه حوزه ادبیات و قصه کودک، همچون معلمی صبور و همراهی مهربان مسیر رشد و کشف ناشناخته‌ها را به آنان نشان می‌دهد. ذهن جست‌وجوگر آنان را با سفرهای خیالی و یادگیری‌های جدید سیراب می‌کند. به گزارش ایرنا، به پاس زحمات زنده‌یاد مهدی آذر یزدی نویسنده خوب حوزه کودک و نوجوان و نگارنده کتاب‌های مختلف در این حوزه مانند «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، «قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن»، «گره باقلا»، «گره تنبل»، «شتوی» (برای بچه‌ها)، «جموعه قصه‌های سساده»، هجدهم تیر در تقویم جمهوری اسلامی ایران به عنوان روز ادبیات کودک و نوجوان نامگذاری شد تا تلنگری برای توجه و تمرکز به آشنا کردن کودکان با کتاب و بهانه‌ای برای ورود کتاب به زندگی کودکان باشد.

ذهن کودک و نوجوان در احاطه پرسش‌های بی‌پایان و روح او همچون دریای مواج بی‌قرار، بر تالطم و سرشار از احساس و هیجان است، احساساتی که گاهو چودش را از شادی لبریز می‌کند و گاه با غم و نگرانی به هم می‌ریزد. کودک و نوجوانان گویی هر لحظه در سفری عمیق و پرماجر هستند، روح آنان بی‌قرار و سرشار از حس کنجکاوی و اشتیاق برای کشف دنیاست و کتاب همچون معلمی صبور و همراهی مهربان مسیر رشد و کشف ناشناخته‌ها را در مقابل آنان روشن می‌کند.

کتاب سرگرمی شیرینی است که به رشد ذهن، تقویت زبان، افزایش دایره واژگان، پرورش تفکر خلاق و تقویت توانایی حل مساله در کودک و نوجوانان کمک کند. وقتی این گروه سنی با کتاب بزرگ شوند، مهارت‌های اجتماعی و عاطفی آنان هم تقویت می‌شود، یاد می‌گیرند که با دیگران بهتر ارتباط برقرار کنند، احساسات‌شان را بهتر بفهمند و به آنان قدرت می‌دهد تارویاهای‌شان را دنبال کنند و جهان را با چشم‌های خودشان بهتر ببینند.

کتابی می‌تواند روح بلندپرواز کودکان و نوجوانان را با خود همراه کند که زبان ساده و روان داشته باشد و از جمله‌های کوتاه و کلمات قابل فهم متناسب با سن و توانایی درک آن‌ان استفاده شده باشد. موضوع قصه نزدیک به دنیای واقعی آنان همچون دوستی، مدرسه، خانواده، و چالش‌های رشد باشد. کتابی که تخیل و کنجکاوی کودک و نوجوان را برانگیزد و آن‌ها را به بنیای داستان جذب کند می‌تواند ارزش‌های درازمدتی و اخلاقی را به طور غیرمستقیم و طبیعی در دل داستان، بدون

درباره کم و کیف نمایشنامه‌نویسی در ایران معاصر

نمایشنامه ایرانی در برزخ و بحران



جهان به دست دراماتورزهای غیور وطنی، با شدیدترین سیاست‌زایی از مناسبات درونی جهان نمایشنامه‌مواجه هستیم که هدفش چیزی نیست به غیر از وفاداری به منطق گیشه تا خاطر مبارک تماشاگرانی مکدر نشود که می‌توان آنان را بیش از تماشاگر با عنوان «مشتری» خطاب کرد. فی‌المثل نمایشنامه سارتر در این اواخر چنان بازنویسی و دفرمه می‌شود که نتوان فهمید چرا آدم‌های نمایش این چنین در حال ستیز بوده و با یکدیگر می‌جنگند. «دست‌های آلوده» و «تکراسف» سارتر در روایت ایرانی‌اش، از تمامی سویه‌های تاریخی و سیاسی تهی گشته و به خواش‌هایی سسترون و ملالت‌بار بدل شده‌اند که در آن‌هانه خبری از کمونیست‌های باورمند وجود دارد و نه ردپایی از فاشیست‌های آدم‌کش که نمایندگان دست‌راستی تیر نبرن‌وهای سیاسی محسوب می‌شوند.

حالا بایداین پرسش را مطرح کرد که برای عبور از این پس‌روی همه‌جانبه چه می‌توان کرد و برای تربیت نسل رادیکال و آگاه نمایشنامه‌نویسان، چه تمهیدی قرار می‌گیرد. جالب آن‌که این روزها در

بازخوانی متون نمایشی قابل اعتنای

دلایل این فلاکت مزمن و همه‌گیر، مسئله آموزش است. هم‌چنان‌که مشکلات سانسور و ممیزی را نمی‌توان بی‌اهمیت دانست و عامل سیاست‌زدایی از متون نمایشی فرض نکرد. در این میان اقتصاد نحیف تأثیر ضربه نهایی را به جریان نمایشنامه‌نویسی ایران این روزها زده و پیکر نیمه‌جانش را به «تنهایی دم‌مرگ» شبیه کرده است. حتی جرقه‌های امیدبخش افرادی در میان نمایشنامه‌نویسان، یارای مواجهه با تاریکی این‌روزهای هنر نوشتن نمایشنامه را ندارند و توگویی همه به انتظار معجزه‌های رخدادگرفته‌اند که ناگهان سر برسد و دل‌های ناامید اهالی تئاتر را گرمای خورشید ناماسمانی وضعیت، در این میان می‌توان به نسل جدید تا حدودی دل بست تا شاید

با نگاهی تازه و ترسیم چشم‌اندازی متفاوت‌تر از گذشته‌ای روح زمانه‌ای را روایت‌کنند که مبتنی است بر شتاب‌گرایی و هجوم بی‌امان منطق سرمایه. اما این نسل نمی‌تواند و نباید از سنت‌های گذشته به تمامی گذر کند و با توهمی ساده‌دلانه، خود را به تنهایی سکان‌دار جریان نمایشنامه‌نویسی این روزهای ما معرفی کند. این نسل احتیاج دارد به تاریخ معاصر ایران رجوع کرده و آن را ذیل تاریخ جهانی از نو بنویسد. بدون داشتن یک منظر دیالکتیکی از رابطه جز و کل، حتی درامی که می‌خواهد تاریخی باشد راه به منزل مقصود نخواهد برد و حرفی برای گفتن نخواهد داشت. تاریخ جهان نشان داده است که سرمایه‌داری بااستعمار و سیالیتی بی‌وقفه‌اش، در پی منابع جدید و بازارهای کشورهای حاشیه‌ای است. ایران هم به مثابه یک مفهوم جغرافیایی در نظم بین‌الملل از این فرآیند گریزناپذیر محفوظ نمانده

است. در نهایت می‌بایست این نکته را تذکار داد که نهاد اجتماعی تئاتر بدون نمایشنامه خوب، سرایی بیش نیست و نمی‌شود در بهر وقت آثار مکتوب نمایشی، اجرایی یا استاندارد تولید کرد که علاوه بر ارتقای سلیقه مخاطبان، امکان سرگرمی‌سازی را هم داشته باشد. نگاه حرفه‌ای به نمایشنامه‌نویسی می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد و به خلق آثار ی منتهی‌شود که در تاریخ ادبی کشور ماندگاری یابد. این که چقدر نهاد آکادمی و کلاس‌های خصوصی نمایشنامه‌نویسی در این عرصه می‌تواند مفید فایده باشد بحث مفصلی است که می‌بایست جداگانه پی گرفته شود. اما با تمامی این حرف و حدیث‌ها، شجاعت روبرو شدن با معاک و درانداختن طرحی نو، و رسالتی است بر عهده تمامی آن کسانی که با تئاتر در پی روشن کردن شمعی و عقب راندن تاریکی‌اند.



حقوق دیگران، مشارکت جایگزین خسونت و منازعه شده است. تعریفی از صلح را به کودکان می‌آموزند که به دیگری هم فکر کنند.

همایونی با اشاره به روند شکل‌گیری کارگروهی برای جمع‌آوری اسباب‌بازی‌های خشن، ادامه داد: در ادامه فعالیت سازمان‌های غیردولتی اتفاق دیگری در سال ۱۳۸۰ رقم خورد. جمعی از دبیران کودک اسباب‌بازی‌های خشن مانند شمشیر و تفنگ را جمع و با اسباب‌بازی‌های مهربان مانند عروسک‌های پارچهای جمع کردند و این حرکت با استقبال خانواده‌ها روبرو شد و نشان می‌دهد جامعه‌نیز به چنین رویکردی دارد.

شیوه‌های زندگی مابمبنتی بر ساختار عصبی مغز است

در ادامه پژوهشگر و کارشناس کتاب‌های کودک و نوجوان با اشاره به شیوه‌های فهم و درک که در روند خواندن اتفاق می‌افتد، توضیح داد: زمانی که بخوایم به زبان صحبت‌شناسی درباره شیوه‌های فهم و درک در روند خواندن صحبت کنیم، آن‌ها را در شبکه‌های عصبی توضیح می‌دهیم. مغز در طول زندگی تغییر می‌کند، همچنین تجربه‌های پیرامون روی آن تاثیر می‌گذارد. یکی از این تجربه‌ها خواندن است.

یاشار هدایی ادامه داد: تجارب باعث می‌شود سلول‌های مغز با هم سیپاس (مکان‌هایی که نورون‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند) برقرار کنند و شبکه بسازند. خواندن کتاب در مغز خواننده با پدیده نوروپلاستیستی (یعنی مغز مسیرهای قدیمی را تضعیف کند و کنار بگذارد و مسیرهای تکرار شونده تفکر و تجربه را تقویت کند) قابل بررسی است.

یاشار هدایی ادامه داد: تجارب باعث می‌شود سلول‌های مغز با هم سیپاس (مکان‌هایی که نورون‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند) برقرار کنند و شبکه بسازند. خواندن کتاب در مغز خواننده با پدیده نوروپلاستیستی (یعنی مغز مسیرهای قدیمی را تضعیف کند و کنار بگذارد و مسیرهای تکرار شونده تفکر و تجربه را تقویت کند) قابل بررسی است.

یاشار هدایی ادامه داد: تجارب باعث می‌شود سلول‌های مغز با هم سیپاس (مکان‌هایی که نورون‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند) برقرار کنند و شبکه بسازند. خواندن کتاب در مغز خواننده با پدیده نوروپلاستیستی (یعنی مغز مسیرهای قدیمی را تضعیف کند و کنار بگذارد و مسیرهای تکرار شونده تفکر و تجربه را تقویت کند) قابل بررسی است.

یاشار هدایی ادامه داد: تجارب باعث می‌شود سلول‌های مغز با هم سیپاس (مکان‌هایی که نورون‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند) برقرار کنند و شبکه بسازند. خواندن کتاب در مغز خواننده با پدیده نوروپلاستیستی (یعنی مغز مسیرهای قدیمی را تضعیف کند و کنار بگذارد و مسیرهای تکرار شونده تفکر و تجربه را تقویت کند) قابل بررسی است.

کودکان و نوجوانان سر و کار دارند، کتاب‌های مناسب، جذاب و پرمحتوا در دسترس و در معرض دید باشد.

اهمیت نشر کتاب نویسندگان ایرانی

شکی نیست اگر دوره کودکی هر فرد پر بارتر باشد و به مطالعه کتاب و بازی‌های غیردولتی بیشتری پرداخته باشد، به مراتب بهتر می‌تواند وارد مراحل بعدی رشد خود شود.

رغبت ناشران به کتاب‌های ترجمه

به گزارش ایرنا طی سال‌های اخیر استقبال مخاطبان بیشتر به سمت کتاب‌های ترجمه شده رفته است. نگاهی به قفسه کتابفروشی‌ها نشان می‌دهد ناشران کمتر از نشر کتاب‌های حوزه ادبیات کودک و نوجوان به قلم نویسندگان ایرانی استقبال می‌کنند و بیشتر به سمت چاپ کتاب‌های ترجمه می‌روند. این موضوع در شرایطی که نویسندگان بومی و نامی فراوانی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان در ایران قلم می‌زنند، تناقضی در آموزش و فرهنگ کشور محسوب می‌شود که باید از سوی کارشناسان علت و چرایی آن مورد بررسی قرار بگیرد.

ادبیات جهانی می‌سازد که در آن کودکان کمتر رنج‌بکشند

نسبت شخصی «صلح در ادبیات کودک و نوجوان» هم‌زمان با روز ملی ادبیات کودک ۱۸ تیر ۱۴۰۴ در کتابخانه ملی برگزار شد.

به گزارش خبرنگار کتاب ایرنا، فریدون عموزاده خلیلی با معرفی دو کتاب در حوزه کودک و نوجوان در باره نقش ادبیات در پرورش کودکان گفت: این کتاب‌ها نشان می‌دهد چگونه ادبیات می‌تواند مفاهیمی را به کودکان انتقال بدهد. به گفته این پژوهشگر حوزه ادبیات کودک و نوجوان، زبان ادبیات کودک، توام با شوخی و به سادگی و در حد فهم کودکان (که شاید این‌بزرگتر ها و منطق آن‌ها معنی پیدا نکند)، می‌تواند جهانی بسازد که در آن کودکان کمتر رنج‌بکشند و سرشار از زندگی و صلح باشند.

هر جاصالح است، سازندگی اتفاق می‌افتد

مدیر اجرایی کانون توسعه فرهنگی کودکان دیگر سخنران این نشست بود. او سخنانش را به «صلح» اختصاص داد و گفت: صلح را نمی‌توان با یک واژه معنی کرد. صلح بستری است که کودک در آن صحیح و سالم رشد می‌کند، بسترنمیت و آرامش است. در هیچ زمینه و شرایط ناآرامی، رشد و توسعه اتفاق نمی‌افتد. شناخت توانمندی‌ها و یافتن وجه مشترک فکری، زمینه‌ساز صلح است.

منیر همایونی با اشاره به اینکه وقتی انسان هاروی جوه مشترک کنار هم قرار می‌گیرد، تفاوت‌ها به زیبایی منجر می‌شود، ادامه داد: هر نگاه عملی غیر از این می‌تواند به درگیری و منازعه بیانجامد. هر جاصالح است، سازندگی اتفاق می‌افتد. او با تأکید بر اینکه مهم‌ترین عامل نبود صلح، ناآگاهی است، افزود: هر آگاهی نباشد زمینه‌های رشد خشونت بیشتر می‌شود. مثال روشن آن محیط زیست است، هر چه آگاهی مردم در حفظ عناصر مهم آب و خاک و رشد طبیعت بالا برود، ضرورت حفظ آن‌ها در آرامش و صلح و بهر مماندی از این عوامل بیشتر خواهد شد. این تغییر دیدگاه فقط از راه آموزش و در دوران کودکی ممکن است.

به گفته این پژوهشگر امروز با آموزش ارزش‌های زندگی و مفاهیمی مانند دگرپذیری و احترام به